کد خبر: ۴۶۱۴۶۶
دوشنبه ۸ آبان ۱۴۰۲ ۹:۴۸

در یادداشتی از معصومه علی پور کارشناس معماری - HSE؛

هر شهروند یک پاک بان

حکایت بی مهری با محیط زیست تلخ حکایتی است که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی روایتگر سابقه ی ناروشنی با گذشته و توصیف نابسامان فعلی و آینده مبهم این خاستگاه و گهواره ی بشری در ذهن و ضمیر ماست. از مصادیق این نامهربانی البته یکی هم دفع زباله در محیط زندگی است.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، معصومه علی پورکارشناس معماری - HSE در یادداشتی با عنوان هر شهروند یک پاک بان آورده است:

حکایت بی مهری با محیط زیست تلخ حکایتی است که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی روایتگر سابقه ی ناروشنی با گذشته و توصیف نابسامان فعلی و آینده مبهم این خاستگاه و گهواره ی بشری در ذهن و ضمیر ماست. از مصادیق این نامهربانی البته یکی هم دفع زباله در محیط زندگی است. امروزه سامانه ی گسترده ای در همه شهرها و روستاها جهت دفع و دفن زباله به کار گرفته شده که بررسی این فرایند از ابتدا تا مقصد و صرف بودجه مالی و حجم پولی که در این زمینه به این امر اختصاص می یابد در حوصله این مقاله نیست.

بخش زیادی از کارگران محترم شهرداری پاک بانانی هستند که این وظیفه مهم را به عهده دارند. تردیدی نیست که دفع نکردن به موقع زباله های تولیدی نه تنها باعث ایجاد بوی تعفن و بیزار کننده در منزل و محیط زندگی است که باعث شیوع و رواج انواع بیماری هاست، آشکاراست که دفع غیر اصولی و غیر بهداشتی و از طرق دیگر مثلا فردی نیز آفاتی بدنبال دارد اینکه شهرداری ها و دهیاری ها متولی این مهم هستند از یکپارچگی و وحدت نهادهایی تصمیم گیری و عملیاتی در این حوزه دلالت دارد.

شهر ما خانه ما: سالهاست این شعار زیبا زینت بخش مکانها، لوازم و اشیاء مختلفی است که ما را احاطه کرده است. از بام تا شام در محاصره ی انواع پیام ها و پیامک ها بوده ایم، گزافه نیست که از شعار گامی فراتر نگذاشته ایم، التزام و پایبندی واقعی و عملی در رویکرد شهروندان دیده نمی شود. اصرار داریم و حق نیز همین است که خانه خود را برای پذیرایی از مهمان و آسایش بیشتر ساکنین بیارایم، اما همین که به به بیرون از منزل قدم میگذاریم آراستگی شهر و روستایمان به محاق فراموشی می سپاریم. وقت است کلاه خود را قاضی کنیم و از خویشتن بپرسیم، آیا واقعا شهر ما خانه ماست؟!! دیگر با دیده انصاف بنگریم آیا محیط شهر و روستایمان را چون مسکن خصوصی و محل زندگی خود پاکیزه نگه میداریم؟!!

دیده ایم و خوانده ایم ما با ریختن هر زباله بر زمین کمر پاک بانی مهربان را خم کرده ایم اما به راحتی ریخته ایم و نهراسیده ایم در شامی تیره بر پای رهگذری فرو آید و آسیبی برساند چه بسا آن رهگذر خود باشیم! مشاهده زباله در معبر و گذر به یقین نا خوشایند است و نا زیبا، سهل است که از نگاه ناظر بیرونی و مهمان و مسافر ناخوشایندتر. سخت است که این صحنه ها مستند داوری و قضاوت هر بیننده ایست که عابر آن شهر است و خود نیز گاهی در مقام داوری قرار می گیریم که مسافر دیاری دیگریم و وجود پدیده ای این چنین را دستاویز قضاوت قرار میدهیم و بر تمیزی و زیبایی و یا بر کثیفی و آلودگی آن دیار حکم می کنیم، بر شهردار و شهرداری و مردم آن دیار خورده می گیریم و لذا از آن مشاهدات خاطره ها می سازیم که در وقت وقتش ساکنین آن آبادی را به طعن و کنایه بکوبیم و کوچک بشماریم. چه می توان گفت که بر این عادت ناپسند هم درمان یافت شود بر آن زخم درمانی نیست.

شنیده ایم که هرگاه از دردی اجتماعی ناله بر می داریم از عالم و عامی از کارشناس تا افراد عادی از فرهنگ سازی سخن می گویند و هر یک وظیفه را بر عهده ی دیگری می دانیم در حالی که همه مسئولیم ، از نهاد خانواده تا تعلیم و تربیت و اجتماع. اگر ضرورت فراگیری و توجه به قانون و مقررات رانندگی مورد تاکید است و رد شدن از چراغ قرمز یک ناهنجاری اجتماعی توصیف می شود، چرا نریختن زباله توسط شهروندان به عنوان هنجار اجتماعی تعریف نشود و کودکان و نونهالان ما این مهم را از مهد کودک ها فرا نگیرند؟ آیا این همان فرهنک سازی نیست که هر یک به نوبه ی خود کلید حل مشکل می دانیم؟

جامعه ما خوشبختانه جامعه ای است که تقیّد به اخلاق و تعهّد به شعایر دینی نزد مومنین کم نیست و افتخار دارد که رسول گرامی اسلام نظافت را از ایمان دانسته اند، و از فروع این دین مبین امر به معروف و نهی از منکر است، امر کنیم به صیانت از محیط زیست و حفظ و نگهداری و پاکیزگی محیط زندگی خود و نهی کنیم از آلودگی و بی توجهی به آن که از مصادیق آن نریختن زباله در معابر و گذرگاهاست. مبلغین و خطبای محترم نیز در جای خود از چنان نفوذ کلام ومرجعیت اجتماعی برخوردار هستند که کلامشان در میان همه ی اقشار و صنوف اجتماع مقبول افتاده و تاثیر خواهد کرد. از آموزش و پرورش که آتیه سازان مملکت را آموزش میدهد و می پروراند، انتظار بیشتر است که نسل نوجوان و جوان را متعهد و مسئول بار آورد.

در حوزه ی راهکارهای عملی و پیشنهادی می توان گفت اقدام در این حیطه نیازمند دستورالعمل و نحوه ی اقدام و شیوه نامه نیست؛ عزم جزم می خواهد و اندکی همت کافی است ما اراده کنیم و بخواهیم و کیست که نداند پس از تفریح در پارک و اقامتگاه و کوه و دشت زباله خود را در آن مکان رها نکند و در سطل زباله بریزد؟!

و یا کیست که نداند ریختن زباله در محل استراحت یعنی گرفتن فرصت و استفاده از هموطنی دیگر؟! و گذاشتن بار دیگر بر دوش خسته ای که سالها پس از استخفاف و خواری اینک پاک بانش می خوانیم و گاهی از سر ناسپاسی می گوییم کارگران شهرداری پول می گیرند تا اینجا را تمیز کنند؟! توجه نداریم که چگونه دستانی فرو تنانه آنچه را که ما از برداشتنش ابا می کنیم و شاید شرم داریم جمع می کند، بر این روش باید مهر تمامی نهاد و دگر گونه دید و عمل کرد.

هر یک خود به مصداق «کُلُّکُم راع و کُلُّکُم مسوولٌ و عَن رعیّتِهِ» مسئول حفاظت و صیانت از محیط زندگی خود چه شهر و چه روستا؛ برخیزیم که دیر شده است قبل از آنکه آیندگان بر بی مبالاتی ما لب به اعتراض گشایند و نصیب ما افسوس باشد و لب گزیدن از سر تأسف و تأثر.